

“کسانی که گذشته را به یاد نمی‌آورند، محکوم به تکرار آن هستند”

وعده‌ی «هرگز دوباره»، که از خاکستر هولوکاست زاده شد، سنگ بنای حقوق بشر بین‌المللی و وجدان اخلاقی جهانی بوده است. با این حال، چنان‌که جورج سانتایانا در نقل‌قولی که عنوان این مقاله را به خود اختصاص داده هشدار داده، شباهت‌های بین جنایات گذشته و بحران‌های کنونی، تداوم نگران‌کننده‌ای را در ایدئولوژی‌هایی که نسل‌کشی را تغذیه می‌کنند و شکست‌های سیستمیک که آن را ممکن می‌سازند، نشان می‌دهند. این مقاله این شباهت‌ها را در سه فصل بررسی می‌کند: نخست، نقش برتری‌جویی و غیرانسانی‌سازی در هولوکاست و ناکامی نهادهای بین‌المللی مانند جامعه ملل و دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی (PCIJ) در پیشگیری یا توقف آن؛ دوم، شباهت‌های شگفت‌انگیز در نگرش اسرائیل نسبت به اعراب، به‌ویژه فلسطینی‌ها، و اقدامات آن در غزه؛ و سوم، شواهد قانع‌کننده‌ی قصد مجرمانه (mens rea) و عمل مجرمانه (actus reus) که نسل‌کشی در غزه را تثبیت می‌کنند، و بر تعهد اخلاقی و قانونی دولت‌ها و مقامات برای اقدام بر اساس وعده‌ی «هرگز دوباره»، کنوانسیون نسل‌کشی، و دکترین مسئولیت حفاظت (R2P) تأکید می‌کنند.

برتری‌جویی، غیرانسانی‌سازی، و ناکامی نهادهای بین‌المللی

هولوکاست، یکی از سیستماتیک‌ترین نسل‌کشی‌های تاریخ، با ایدئولوژی برتری نژادی و غیرانسانی‌سازی پشتیبانی شد که نابودی شش میلیون یهودی و میلیون‌ها نفر دیگر را توجیه کرد. ایدئولوژی نازی، ریشه در مفهوم برتری آریایی، یهودیان را به‌عنوان تهدیدی زیرانسانی برای ملت آلمان معرفی کرد. پروپاگاندا یهودیان را به عنوان «حشرات»، «انگل‌ها» و «دشمن نژادی» به تصویر کشید، انسانیت آن‌ها را سلب کرد و نابودی سیستماتیک آن‌ها را آسان نمود. این غیرانسانی‌سازی عملی خودجوش نبود، بلکه استراتژی‌ای عمدی بود، همان‌طور که در سخنرانی‌های هیتلر و پروپاگاندا ی گوبلس مشاهده می‌شود، که یهودیان را به‌عنوان تهدیدی وجودی معرفی کردند که برای بقای آلمان باید حذف شوند.

رژیم نازی یهودیان را در گتوهایی مانند ورشو متمرکز کرد، جایی که گرسنگی و بیماری‌ها ده‌ها هزار نفر را کشت، پیش از آن‌که به اردوگاه‌های مرگ مانند آشویتس تبعید شوند تا از طریق اتاق‌های گاز به‌صورت صنعتی کشته شوند. قصد نابودی یهودیان به‌عنوان یک گروه به‌صراحت در «راه‌حل نهایی» بیان شد، که قصد مجرمانه برای نسل‌کشی را برآورده کرد، در حالی که اعمال—قتل، وارد آوردن آسیب شدید، تحمیل شرایط مرگبار، جلوگیری از زادوولد از طریق عقیم‌سازی، و کشتار ۱.۵ میلیون کودک—عمل مجرمانه را طبق کنوانسیون سازمان ملل در مورد نسل‌کشی (۱۹۴۸) برآورده کرد.

نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه جامعه ملل و PCIJ، به دلیل ضعف‌های ساختاری و واقعیت‌های ژئوپلیتیکی نتوانستند این نسل‌کشی را پیشگیری یا متوقف کنند. جامعه ملل، که در سال ۱۹۲۰ برای حفظ صلح تأسیس شد، فاقد مکانیزم‌های اجرایی بود و به تصمیم‌گیری‌های متفق‌القول وابسته بود، که به قدرت‌های بزرگ مانند فرانسه و بریتانیا اجازه داد تا مداخلات با آلمان نازی را به مداخله ترجیح دهند. کنفرانس اوپان (۱۹۳۸)، که توسط جامعه ملل حمایت شد، نتوانست بحران پناهندگان یهودی را حل کند، زیرا اکثر کشورها از پذیرش پناهندگان خودداری کردند، که به جنایات نازی‌ها دامن زد. PCIJ، بازوی قضایی جامعه ملل، می‌توانست اختلافات بین دولت‌ها را حل کند، اما هیچ اختیار یا قدرتی برای رسیدگی به جنایات داخلی

مانند هولوکاست نداشت، که نشان‌دهنده اولویت حاکمیت بر حقوق بشر در آن دوره بود. زمانی که ابعاد کامل هولوکاست شناخته شد، جامعه ملل منحل شده بود و جهان درگیر جنگ بود، که ناکامی فاجعه‌بار مکانیزم‌های بین‌المللی در حفاظت از جمعیت‌های آسیب‌پذیر را برجسته کرد.

شباهت‌ها در نگرش اسرائیل نسبت به اعراب و اقدامات آن در غزه

نگرش اسرائیل نسبت به اعراب، به‌ویژه فلسطینی‌ها، و اقدامات آن در غزه، شباهت‌های وحشتناکی با هولوکاست نشان می‌دهد، که ریشه در ایدئولوژی‌های برتری‌جویی، غیرانسانی‌سازی، و خشونت سیستماتیک دارد. بیانیه‌های تاریخی رهبران اسرائیلی نشان‌دهنده نیت دیرینه برای طرد یا نابودی فلسطینی‌ها است. یوسف ویتز (دهه ۱۹۴۰) خواستار «سرزمین اسرائیل... بدون عرب» شد و از «انتقال» همه فلسطینی‌ها حمایت کرد، بدون این‌که «یک روستا، یک قبیله» باقی بماند. مناخم بگین (۱۹۸۲) ادعا کرد که یهودیان «نژاد برتر» هستند و نژادهای دیگر را «جانوران و حیوانات، در بهترین حالت دام» نامید، که برتری آریایی نازی را بازتاب می‌داد. رافائل ایتان (۱۹۸۳) فلسطینی‌ها را به‌عنوان «سوسک‌های مخدر در بطری» تصور کرد زمانی که سرزمین استعمار شود، و آن‌ها را به شیوه‌ای شبیه به پروپاگاندا نازی غیرانسانی کرد. اخیراً، راهپیمایی پرچم اورشلیم (۲۰۲۳) شاهد هزاران نفر بود که فریاد می‌زدند «مرگ بر اعراب» و «روستایت بسوزد»، در حالی که کنفرانس شهرک‌نشینان در سال ۲۰۲۴ برنامه‌ریزی کرد تا «در غزه ساکن شوند»، و آینده‌ای «بدون حماس» — و به‌طور ضمنی بدون فلسطینی‌ها — را تصور کرد. علاوه بر این، وزیر میراث امیخای الیاهو در نوامبر ۲۰۲۳ اظهار کرد که یکی از گزینه‌های اسرائیل در جنگ علیه حماس می‌تواند «پرتاب بمب هسته‌ای بر نوار غزه» باشد، نظری که اگرچه توسط نخست‌وزیر بنیامین نتانیا‌هو رد شد، بازتاب‌دهنده لفاظی افراطی نابودی است که در بسیاری از فراخوان‌ها برای تخریب کامل غزه، چه در رسانه‌های اجتماعی و چه در جاهای دیگر، تکرار شده است.

این نگرش‌ها به اقداماتی در غزه تبدیل می‌شوند که تاکتیک‌های نازی را بازتاب می‌دهند. غزه، با ۲.۱ میلیون نفر محصور در ۳۶۵ کیلومتر مربع تحت محاصره از سال ۲۰۰۷، شبیه یک گتوی نازی است که اکنون به چیزی تبدیل شده که می‌توان آن را «اردوگاه مرگ بزرگ» توصیف کرد. از اکتبر ۲۰۲۳، کمپین اسرائیل بیش از ۴۰,۰۰۰ فلسطینی، از جمله ۱۵,۰۰۰ کودک، را از طریق بمباران کشته است، طبق گزارش مقامات بهداشتی غزه (پایان ۲۰۲۴). محاصره کامل دو ماهه (تا مه ۲۰۲۵)، که توسط اسرائیل کاتز («هیچ کمک بشردوستانه‌ای وارد غزه نخواهد شد») و بتسالل اسموتریچ («حتی یک دانه گندم») تأیید شد، قحطی را به دنبال داشته، با ۱.۱ میلیون نفر در معرض خطر گرسنگی و کودکانی که از سوءتغذیه می‌میرند، طبق گزارش‌های سازمان ملل (۲۰۲۴). تخریب زیرساخت‌ها — ۷۰٪ مسکن، اکثر بیمارستان‌ها — شرایط غیرقابل‌زیست ایجاد کرده، در حالی که استفاده از فسفر سفید با ناهنجاری‌های مادرزادی مرتبط است، طبق گزارش دیده‌بان حقوق بشر (۲۰۲۳). در کرانه باختری، که به دلیل ایست‌های بازرسی و شهرک‌ها به‌عنوان «گتو» توصیف شده، ۸۳ کودک در سال ۲۰۲۳ کشته شدند، دو برابر کل سال قبل، در میان عملیات نظامی تشدیدشده، طبق یونیسف.

مقاله‌ای در تایمز اسرائیل در سال ۲۰۲۴ که خواستار «فضای زندگی» در کرانه باختری برای جای دادن به جمعیت در حال رشد اسرائیل (۱۵.۲ میلیون تا ۲۰۴۰) شد، مستقیماً جاه‌طلبی‌های سرزمینی نازی‌ها را بازتاب می‌دهد، که نسل‌کشی را برای آزادسازی فضا برای شهرک‌نشینان آلمانی توجیه کردند. اظهارات مقامات اسرائیلی، مانند «حیوانات انسانی» یوآو گالانت (۲۰۲۳) و سندی پارلمانی که از ارتش اسرائیل می‌خواهد «هر کس پرچم سفید تکان ندهد را بکشد» (۲۰۲۵)، فلسطینی‌ها را غیرانسانی کرده و به‌طور بی‌رویه هدف قرار می‌دهند، همانند سیاست‌های نازی که یهودیان را هدف قرار می‌دادند. اظهار نظر اضافی اسموتریچ در نوامبر ۲۰۲۳ مبنی بر این‌که اسرائیل پس از جنگ غزه را کنترل خواهد کرد، طرحی بلندمدت برای حذف حضور فلسطینی را پیشنهاد می‌کند، که با چشم‌انداز کنفرانس شهرک‌نشینان و فراخوان‌های تاریخی برای سرزمینی

بدون عرب هم‌راستا است. این خشونت سیستماتیک، که با محصور شدن از پیش موجود در غزه و کرانه باختری ممکن شده، استفاده هولوکاست از گتوها و اردوگاه‌ها برای انزوا و نابودی را بازتاب می‌دهد.

شواهد نسل‌کشی در غزه و تعهد جهانی به اقدام

شواهد در غزه هم قصد مجرمانه و هم عمل مجرمانه را برای نسل‌کشی طبق کنوانسیون سازمان ملل در مورد نسل‌کشی و اساسنامه رم تثبیت می‌کند، و دولت‌ها و مقامات را ملزم می‌کند تا طبق وعده‌ی «هرگز دوباره»، کنوانسیون نسل‌کشی، و دکترین R2P اقدام کنند.

قصد مجرمانه: نیت نابودی فلسطینی‌ها در غزه در الگویی از لفاظی غیرانسانی‌سازی و سیاست‌های صریح آشکار است. بیانیه‌های تاریخی (ویتز، بگین، ایتان) سابقه‌ای برای طرد ایجاد کردند، در حالی که اظهارات معاصر این نیت را در عمل تأیید می‌کنند: «حیوانات انسانی» گالانت، «حتی یک دانه گندم» اسموتریچ، «هیچ کمک بشردوستانه‌ای» کاتز، و «مرگ بر اعراب» راهپیمایی پرچم، همه فلسطینی‌ها را به‌عنوان گروهی که باید نابود شوند، معرفی می‌کنند. طرح کنفرانس شهرک‌نشینان برای غزه «بدون حماس» — و به‌طور ضمنی بدون فلسطینی‌ها — با فراخوان‌های متعدد برای نابودی کامل غزه، چه در رسانه‌های اجتماعی و چه در جاهای دیگر، مانند پیشنهاد الیاهو در سال ۲۰۲۳ برای «پرتاب بمب هسته‌ای بر نوار غزه» هم‌راستا است. ادعای اسموتریچ مبنی بر این‌که اسرائیل پس از جنگ غزه را کنترل خواهد کرد، چشم‌اندازی برای حذف کامل حضور فلسطینی را نشان می‌دهد. عدم رعایت اقدامات دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در سال ۲۰۲۴ توسط اسرائیل، که دسترسی به کمک را برای جلوگیری از نسل‌کشی دستور داده بود، این اعمال را بیشتر به نیت مرتبط می‌کند، زیرا انتخاب عمدی برای تشدید شرایط مرگبار را نشان می‌دهد.

عمل مجرمانه: اقدامات اسرائیل چندین عمل نسل‌کشی را برآورده می‌کند: (۱) قتل: ۴۰,۰۰۰ کشته در غزه، ۸۳ کودک در کرانه باختری (۲۰۲۳)؛ (۲) آسیب شدید: بمباران‌ها، جراحات، تروما، و قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی (فسفر سفید)؛ (۳) شرایط زندگی: محاصره، قحطی، و تخریب زیرساخت‌ها، که شرایط غیرقابل‌زیست ایجاد می‌کند؛ (۴) جلوگیری از زادوولد: سقط جنین و آسیب‌های تولیدمثلی ناشی از سوءتغذیه و مواد شیمیایی؛ (۵) انتقال کودکان: کشتار ۱۵,۰۰۰ کودک در غزه، ۸۳ کودک در کرانه باختری («انتقال به گورها»). حملات راهپیمایی پرچم و خشونت در کرانه باختری به این الگو می‌افزاید، و کارزاری سیستماتیک در سراسر سرزمین‌ها را نشان می‌دهد.

این شواهد آستانه قانونی برای نسل‌کشی را برآورده می‌کند، زیرا (۲۰۲۴) ICJ ریسک معقولی را تشخیص داد و دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) احکام بازداشت نتانیاها و گالانت را به دلیل جنایات جنگی، از جمله استفاده از گرسنگی به‌عنوان روش جنگ، صادر کرد. شباهت‌ها با هولوکاست — ایدئولوژی برتری‌جویی، غیرانسانی‌سازی، تمرکز، و قتل سیستماتیک — جدی بودن بحران را برجسته می‌کند. اظهار نظر الیاهو درباره بمب هسته‌ای، حتی اگر رد شده باشد، لفاظی افراطی را بازتاب می‌دهد که همراه با چشم‌انداز اسموتریچ برای کنترل پس از جنگ، آمادگی برای در نظر گرفتن نابودی کامل را نشان می‌دهد، که نیت نسل‌کشی را بیشتر اثبات می‌کند. با این حال، نهادهای بین‌المللی بار دیگر ناکام مانده‌اند: سازمان ملل با وتوی آمریکا فلج شده، احکام ICJ قابل اجرا نیستند، و احکام ICC فاقد قدرت اجرایی هستند، که ناکامی‌های جامعه ملل در طول هولوکاست را بازتاب می‌دهد.

طبق وعده‌ی «هرگز دوباره»، که از درس‌های هولوکاست زاده شد، کنوانسیون نسل‌کشی (ماده اول دولت‌ها را ملزم به پیشگیری و مجازات نسل‌کشی می‌کند)، و دکترین R2P (دولت‌ها باید جمعیت‌ها را از نسل‌کشی محافظت کنند، با مداخله بین‌المللی در صورت ناکامی)، هر دولت و مقامی وظیفه اخلاقی و قانونی برای اقدام دارد. این شامل تحریم‌ها، توقف کمک

نظامی به اسرائیل (مانند ۱۷ میلیارد دلار آمریکا از سال ۲۰۲۳)، اجرای احکام ICC، و حمایت از مداخله بشردوستانه برای پایان دادن به محاصره و بمباران‌ها می‌شود. عدم اقدام، خطاهای جامعه ملل را تکرار می‌کند و به وعده‌ی محافظت از انسانیت در برابر نسل‌کشی خیانت می‌کند.

نتیجه‌گیری

هولوکاست و غزه تداوم تراژیک را در ایدئولوژی‌های برتری‌جویی و غیرانسانی‌سازی که نسل‌کشی را تغذیه می‌کنند، و ناکامی‌های سیستمیک نهادهای بین‌المللی که آن را ممکن می‌سازند، آشکار می‌کنند. سازمان ملل، ICJ، و ICC، که توسط سیاست قدرت‌های بزرگ و هنجارهای حاکمیتی فلج شده‌اند، در متوقف کردن اقدامات اسرائیل در غزه، که با تاریخچه‌ای از لفاظی برتری‌جویی و نیت اخراج فلسطینی‌ها پشتیبانی می‌شود، ناکام مانده‌اند. شواهد قصد مجرمانه و عمل مجرمانه، که با بیانیه‌های افراطی مانند پیشنهاد الیاهو برای نابودی هسته‌ای و چشم‌انداز اسموتریچ برای کنترل پس از جنگ تقویت شده، نسل‌کشی را فراتر از هر شک معقول تثبیت می‌کند. تعهد جامعه جهانی تحت «هرگز دوباره»، کنوانسیون نسل‌کشی، و R2P نیازمند اقدام فوری برای متوقف کردن جنایات در غزه است، تا تاریخ تاریک‌ترین فصل‌های خود را تکرار نکند. وعده‌ی «هرگز دوباره» باید بیش از کلمات باشد—باید فراخوانی برای اقدام به سوی عدالت، حفاظت، و انسانیت باشد.